

یادداشت

از میدان نبرد تا بازار باسازی

اقتصاد سیاسی جنگ‌ها در نظم جدید جهانی

محمد رضا طاهری

پژوهشگر علوم سیاسی و **ارشد روابط بین‌الملل**

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری نشان می‌دهد جنگ‌ها فقط در میدان‌های نبرد تعیین‌تکلیف نمی‌شوند. در پس هر بحران بزرگ، شبکه‌ای از اهداف ژئوپلیتیکی، اقتصادی و راهبردی نهفته است که گاه اهمیت آنها از خود جنگ کمتر نیست. اگر در قرن بیستم کشورها برای تصرف سرزمین‌ها و گسترش حوزه نفوذ خود می‌جنگیدند، در قرن بیست‌ویکم بخش مهمی از رقابت دربارها بر سر کنترل بازارها، زنجیره‌های تأمین، فناوری‌های نوین، منابع راهبردی و مسیرهای اقتصادی آینده شکل گرفته است.

در چنین چارچوبی، سیاست خارجی ایالات متحده، به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، بیش از هر زمان دیگری بر محور اقتصاد و تولید ثروت سازمان یافته است؛ راهبردی که بر چهار هدف کلان استوار است: ایجاد توازن جدید در مبادلات تجاری، تثبیت مناجق درگیر بحران‌های ژئوپلیتیکی، احیای صنعتی‌سازی پیشرفته در آمریکا و تضمین امنیت زنجیره تأمین مواد خام حیاتی، نیمه‌رساناها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی. برخلاف رویکردی که در سال‌های گذشته بر موضوعاتی مانند تغییرات اقلیمی، حقوق بشر، مهاجرت، توسعه پایدار و تقویت نهادهای بین‌المللی تأکید داشت، رویکرد جدید واشینگتن بیش از هر چیز بر سود اقتصادی و افزایش قدرت ملی متمرکز شده است. در این نگاه، سیاست خارجی نه ابزاری برای مدیریت صرف بحران‌ها، بلکه وسیله‌ای برای افزایش مزیت رقابتی آمریکا در اقتصاد جهانی است. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران از جایگزین‌شدن «ناسیونالیسم اقتصادی» به‌جای بخش مهمی از الگوی سنتی جهانی‌گرایی سخن می‌گویند.

در این راهبرد، دو هدف بنیادی بیش از سایر اهداف خودنمایی می‌کنند: نخست هدایت کشورهای منطقه به سمت فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارت و دوم مقابله با جریان‌های افراطی و بنیادگرا که از نگاه واشینگتن مانع شکل‌گیری اقتصادهای ثابث و قابل پیش‌بینی هستند. به بیان دیگر، آمریکای امروز منطقه‌ای را ترجیح می‌دهد که به‌جای جنگ‌های فرسایشی، به شبکه‌های مالی، انرژی، فناوری و تجارت جهانی متصل باشد. اما پرسش مهم اینجاست که آیا جنگ‌ها خود بخشی از این فرایند هستند؟ تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است پس از هر درگیری بزرگ، مرحله‌ای تازه آغاز می‌شود؛ مرحله بازسازی. مرحله‌ای که گاه ارزش اقتصادی آن از خود جنگ نیز فراتر می‌رود. عراق، افغانستان، بالکان و بسیاری از مناطق بحران‌زده جهان، نمونه‌هایی هستند که در آنها پایان جنگ با آغاز پروژه‌های عظیم بازسازی همراه شد؛ پروژه‌هایی که میلیارد دلار سرمایه را به گردش درآوردند و فرصت‌های اقتصادی گسترده‌ای برای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی ایجاد کردند.

امروز غزه به یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این واقعیت تبدیل شده است. حجم تخریب‌ها به اندازه‌ای گسترده است که بازسازی کامل این منطقه به ده‌ها میلیارد دلار سرمایه، سال‌ها زمان و شبکه‌های عظیم از بیمانکاران، شرکت‌های مهندسی، موسسات مالی و نهادهای بین‌المللی نیاز خواهد داشت. میلیون‌ها تن آوار بید جا‌بجا شود، شبکه‌های آب و برق از نو ساخته شوند، بیمارستان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها بازسازی شوند و صدها هزار واحد مسکونی مجدداً احداث شود. در چنین شرایطی، بازسازی دیگر صرفاً یک پروژه عمرانی نیست، بلکه به یک پرونده بزرگ سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی تبدیل می‌شود.

در این میان، مقایسه تحولات امروز با جنگ‌های گذشته خاورمیانه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. جنگ رمضان ۱۹۷۳ اگرچه با اهداف نظامی آغاز شد، اما در نهایت زمینه‌ساز تغییرات عمیق سیاسی در منطقه شد. آن جنگ مسیر مذاکرات، توافقنامه تحریف فشرخ بحران‌های اقتصادی، دیپلماتیک و هموار کرد و نشان داد گاهی نتایج سیاسی یک جنگ بسیار فراتر از دستاوردهای نظامی آن است.

در همین چارچوب، جنگ ۲۰۰۴روزه رمضان ۱۴۰۴ نیز از منظر تاریخی و راهبردی قابل تأمل است. این جنگ که از اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، صرفاً یک رویارویی نظامی تلقی نمی‌شود، بلکه بسیاری از ناظران آن را بخشی از فرایند بزرگ‌تری می‌دانند که در آن موازنه‌های قدرت منطقه‌ای، معادلات بازنه‌اندگی و ترتیبات امنیتی خاورمیانه در حال بازتعریف هستند. همان‌گونه که جنگ غزه فقط به نبرد میان طرف‌های درگیر محدود نمانده و به موضوعی مرتبط با آینده سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه تبدیل شده است، جنگ رمضان ۱۴۰۴ نیز پرسش‌های مهمی را درباره نظم آینده خاورمیانه، جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای و نقش بازیگران فرامنطقه‌ای مطرح کرده است.

وجه اشتراک این دو جنگ را باید در اهمیت مرحله پس از درگیری جست‌وجو کرد. در هر دو مورد، آنچه پس از پایان عملیات نظامی رخ می‌دهد، شاید از خود جنگ تعیین‌کننده‌تر باشد.

بازسازی زیرساخت‌ها، شکل‌گیری ترتیبات امنیتی جدید، جابه‌جایی سرمایه‌ها، تعریف پروژه‌های اقتصادی و ترسیم مسیرهای تازه همکاری یا رقابت، همگی بخشی از واقعیتی هستند که آینده منطقه را رقم خواهند زد. تحولات لبنان نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. کشوری با جمعیتی محدود که سال‌هاست تحت فشار بحران‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی قرار دارد و اکنون با خطر تشدید بی‌ثباتی و جابه‌جایی گسترده جمعیت روبه‌رو است، استمرار درگیری‌ها و تخریب زیرساخت‌ها می‌تواند پیامدهایی ایجاد کند که آثار آن برای سال‌ها باقی بماند. تجربه تاریخی نشان داده است بازسازی پس از جنگ، هرچند فرصتی برای احیای اقتصاد محسوب می‌شود، اما هم‌زمان می‌تواند وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی جدیدی را نیز شکل دهد. برای ایران، مجموعه این تحولات صرفاً رویدادهایی در پیرامون مرزها نیستند. آنچه در غزه، لبنان و دیگر نقاط خاورمیانه رخ می‌دهد، بخشی از فرایند گسترده‌تری است که می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را برای سال‌های آینده تغییر دهد. تغییر ائتلاف‌ها، شکل‌گیری نظم‌های اقتصادی جدید، رقابت بر سر کریدورهای تجاری، منابع انرژی و بازارهای بازرسی، همگی مستقیماً بر منافع ملی و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران تأثیرگذار خواهند بود.

از این منظر، جنگ‌های قرن بیست‌ویکم را نمی‌توان فقط با شمارش موشک‌ها، تانک‌ها و نیروهای نظامی تحلیل کرد. در پس هر جنگ، نبرد دیگری نیز جریان دارد؛ نبردی بر سر بازارهای آینده، قراردادهای باسازی، فناوری‌های نوین، منابع راهبردی و مسیرهای تجارت جهانی. به همین دلیل است که بسیاری از تحلیلگران معتقدند پایان جنگ الزاماً پایان رقابت نیست، بلکه آغاز فصل تازه‌ای از کشمکش برای شکل‌دادن به نظم سیاسی و اقتصادی پس از جنگ است. به همین دلیل باشد که در جهان امروز، آنچه پس از خاموش‌شدن سلاح‌ها رخ می‌دهد، گاه بسیار تعیین‌کننده‌تر از خود جنگ است؛ زیرا سرنوشت ملت‌ها فقط در میدان نبرد رقم نمی‌خورد، بلکه در اتاق‌های مذاکره، قراردادهای اقتصادی، پروژه‌های بازسازی و نظم جدیدی که پس از جنگ شکل می‌گیرد نیز تعیین می‌شود.

گزارش «شرق» از کوچک‌شدن و فروش در بازار فناوری زیر فشار جنگ، رکود و گرانی

خریدارانی که ناپدید می‌شوند

سه ماه پس از آغاز سال ۱۴۰۵ و درحالی‌که آتش‌بس شکننده همچنان بر فضای منطقه سایه انداخته، بازار موبایل و کامپیوتر با رکود، جهش قیمت، توقف ثبت سفارش و کاهش شدید قدرت خرید دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بازاری که در آن تعمیرکارها و فروشندگان کلای دست‌دوم سرشان شلوغ‌تر است

می‌شود که مجلس نیز در بررسی بودجه ۱۴۰۵ حقوق ورودی گوشی‌های بالای ۹۰۰ یورو را از ۱۵ به ۳۰ درصد افزایش داده است. تصمیمی که هم‌زمان با افزایش نرخ ارز محاسباتی کم‌رک، می‌تواند موج جدیدی از افزایش قیمت در بازار موبایل ایجاد کند. در کنار این عوامل، بازار جهانی نیز بی‌تأثیر نبوده است. عالیان معتقد است تنش‌های منطقه‌ای و اختلال در تأمین برخی مواد اولیه مورد استفاده در صنعت نیمه‌رساناها، هزینه تولید موبایل را در سطح جهانی افزایش داده و این فشار در نهایت به بازار ایران نیز منتقل شده است. اما شاید مهم‌ترین نکته‌ای که او بر آن تأکید دارد، تغییر رفتار مصرف‌کننده باشد. از نگاه او، بسیاری از مردم دیگر خرید گوشی جدید را از اولویت‌های خود خارج کرده‌اند و ترجیح می‌دهند دستگاه فعلی خود را حفظ کنند. همین مسئله باعث شده اثر کامل تورم هنوز در بازار موبایل دیده نشود. زیرا بخش مهمی از تقاضا اساساً از بازار خارج شده است. هم‌زمان گرانی دیگری نیز در بازار وجود دارد؛ افزایش واردات از مسیر مسافری و رشد قاچاق. عالیان معتقد است اثر واردات رسمی همچنان محدود بماند. فاصله میان واردات تجاری و مسافری کمتر شده و انگیزه برای استفاده از روه‌های غیررسمی افزایش پیدا خواهد کرد.

بازاری کوچک‌تر، آینده‌ای مهم‌تر

اگر در بازار موبایل نگرانی اصلی کمبود کالا و اختلال در واردات است، در بازار کامپیوتر و تجهیزات فناوری اطلاعات، مسئله اصلی به گفته فعالان صنف، «کوچک‌شدن بازار» است. سهیل ترکان، مدیرعامل فراسو و از واردکنندگان و تولیدکنندگان قدیمی بازار کامپیوتر در گفت‌وگو با «شرق» معتقد است بزرگ‌ترین مشکل امروز بازار فناوری، نااطمینانی مطلق نسبت به آینده است. به گفته او، فروشندگان دیگر نمی‌دانند کالایی که امروز می‌فروشند، فردا با چه قیمتی قابل جایگزینی خواهد بود. همین نااطمینانی باعث شده بسیاری از فعالان بازار تمایل کمتری به فروش با قیمت‌های رقابتی داشته باشند. ترکان می‌گوید مسیرهای سنتی تأمین کالا، به‌ویژه مسیر دبی، با اختلال جدی روبه‌رو شده‌اند. مسیرهای جایگزین از طریق پاکستان، کراچی، عمان و جابهار هنوز به اندازه کافی آرموده نشده‌اند و هزینه و ریسک بالاتری دارند. به اعتقاد او، همین مسئله سمت عرضه بازار را با چالش مواجه کرده است. او همچنین از توقف عملی ثبت سفارش‌های جدید سخن می‌گوید. به

گفته ترکان، بسیاری از کالاهای موجود در بازار حاصل ثبت سفارش‌های سال گذشته هستند و در سال جاری بخش بزرگی از سهمیه‌های ثبت سفارش همچنان بسته مانده. نتیجه این وضعیت، افزایش نااطمینانی و نگرانی نسبت به تأمین کالا در ماه‌های آینده است. اما مهم‌ترین هشدار ترکان درباره سمت تقاضاست. او برآورد می‌کند حجم بازار مصرفی فناوری نسبت به سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با حدود یک چهارم کاهش یافته باشد. از نگاه او، اگر در سال‌های گذشته بازار موبایل بازاری سه تا چهار میلیارد دلاری بود، امسال ممکن است به حدود یک میلیارد دلار محدود شود.

در همین زمینه مهدی حیدری، عضو هیئت‌مدیره پاساژ پایتخت نیز تصویری مشابه ارائه می‌دهد. او در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند که بازار کامپیوتر کشور در یک خرجه معیوب گرفتار شده است؛ از یک سو تأمین کالا دشوارتر شده و از سوی دیگر افزایش نرخ ارز قیمت‌ها را بالا برده است. هم‌زمان کاهش قدرت خرید مردم باعث شش بخش بزرگی از تقاضا از بازار حذف شود. به گفته حیدری، تعطیلی‌های طولانی‌مدت ناشی از روابط جنگی نیز فشار مضاعفی بر کسب‌وکارها وارد کرده و در نتیجه بسیاری از مصرف‌کنندگان به سمت تعمیرات و خرید کالاهای دست‌دوم حرکت کرده‌اند. در این مورد می‌گوید: «در شرایط فعلی اولویت خانوارها از خرید کالاهای فناوری به سمت تأمین نیازهای اساسی زندگی تغییر کرده و بسیاری از مردم منابع مالی خود را صرف هزینه‌های ضروری‌تر می‌کنند. همین موضوع باعث شده تقاضا برای خرید تجهیزات جدید کاهش محسوسی پیدا کند». همچنین او اعلام می‌کند که اگر بخشی از خریداران تصمیم به خرید داشته باشند به جای خرید تجهیزات جدید به سمت تعمیر دستگاه‌های فعلی خود یا خرید کالاهای دست‌دوم رفته‌اند تا بتوانند نیازهای خود را با هزینه کمتری برطرف کنند. آن‌طورکه او می‌گوید شاید کمتر از پنج درصد جامعه فعلی توان خرید گوشی‌ها یا لپ‌تاپ‌های چند صد میلیونی را داشته باشند. در همین حال، مهدی بکایی، از فعالان قدیمی بازار کامپیوتر، اگرچه معتقد است کمبود کالا در بازار وجود ندارد، اما تأکید می‌کند بازار جذابیت گذشته خود را از دست داده است. از نگاه او، مشکل اصلی نبود کالا نیست؛ مشکل این است که بخش بزرگی از جامعه دیگر توان خرید آن را ندارد.

بکایی به «شرق» می‌گوید امروز اولویت خانوارها تغییر کرده است: «هزینه‌های زندگی به اندازه‌ای افزایش یافته که خرید گوشی، لپ‌تاپ یا ارتقای تجهیزات دیجیتال دیگر در صدر فهرست مخارج خانوار قرار ندارد.» او معتقد است بازار همچنان وجود دارد، اما بسیار کند، کم‌رقم و بدون جذابیت شده است. برآیند گفته‌های فعالان بازار تصویر چندان امیدوارکننده‌ای ترسیم نمی‌کند. بازاری که از یک سو با محدودیت‌های وارداتی، اختلال در مسیرهای تأمین، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و رشد تعرفه‌ها و قیمت ارز مواجه است و از سوی دیگر با کاهش شدید قدرت خرید و خروج مصرف‌کنندگان از بازار روبه‌رو شده است. شاید مهم‌ترین نشانه این وضعیت را بتوان در تغییر چهره پاساژهای فناوری دید؛ جایی که دیگر شلوغ‌ترین مغازه‌ها، فروشندگان تازه‌ترین گوشی‌ها و لپ‌تاپ‌ها نیستند، بلکه تعمیرکارها و فروشندگان کالای دست‌دوم هستند. بازاری که زمانی نماد مصرف فناوری بود، حالا بیش از هر چیز تلاش می‌کند آنچه را که در دست مردم مانده، برای مدتی بیشتر زنده نگه دارد.

نمایشگاه فناوری در تهران، شهری که با گرانی و رکود روبه‌رو شده است.

عصر هوش مصنوعی و آینده بشریت

کتابی درباره جهانی که دیگر شبیه گذشته نخواهد بود

شبیه‌د رم کا از جهان را تغییر می‌دهد. همان‌گونه که اختراع چاپ، اینترنت یا موتور بخار ساختار جوامع را دگرگون کرد، هوش مصنوعی نیز می‌تواند تعریف دانش، قدرت، امنیت و حتی حقیقت را بازنگری دهد. نویسندگان با اشاره به نمونه‌هایی مانند پیروزی سامانه‌های هوش مصنوعی در بازی شطرنج، کشف داروهای جدید و عملکرد موفق در حوزه‌های پزشکی و نظامی، نشان می‌دهند این فناوری در حال عبور از مرزهای است که پیش‌تر مختص توانایی‌های انسانی تلقی می‌شد. با این حال، بخش مهمی از کتاب به پیامدهای تارک و کمتر دیده‌شده هوش مصنوعی اختصاص دارد. نویسندگان هشدار می‌دهند گسترش این فناوری می‌تواند به تولید گسترده اطلاعات نادرست، دستکاری افکار عمومی، تضعیف حریم خصوصی و افزایش قدرت نظارت دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ منجر شود. امروزه الگوریتم‌ها می‌توانند رفتار کاربران را تحلیل کنند، ترجیحات آنها را بشناسند و حتی بر تصمیم‌های سیاسی و اجتماعی آنها اثر بگذارند. این مسئله به‌ویژه در انتخابات، شبکه‌های اجتماعی و جریان‌های خبری اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. یکی دیگر از موضوعات مهم کتاب، کاربردهای نظامی هوش مصنوعی است. نویسندگان از احتمال گسترش سلاح‌های خودمختار، پهپادهای هوشمند و سامانه‌هایی سخن می‌گویند که قادرند بدون دخالت مستقیم انسان تصمیم‌های نظامی بگیرند. از نگاه آنها، همان‌طورکه فناوری هسته‌ای در قرن بیستم معادلات قدرت را تغییر داد، هوش مصنوعی نیز می‌تواند نظم جهانی و مفهوم امنیت را دگرگون کند. به همین دلیل، کشورها ناگزیر خواهند بود درباره قواعد و چارچوب‌های استفاده از این فناوری به توافق برسند. شاید جذاب‌ترین بخش

سونیتا سراپ‌پور؛ در طبقه همکف پاساژ پایتخت، مردی میانسال چند دقیقه‌ای یک کارت حافظه را زیر و رو می‌کند، قیمت را می‌پرسد و بی‌صد آن را سر جایش می‌گذارد. چند مغازه آن طرف‌تر، مقابل ورتین موبایل‌ها، مشتری دیگری قیمت یک گوشی میان‌رده را می‌پرسد؛ همان گوشی‌ای که چند ماه قبل در دسته گوشی‌های اقتصادی قرار می‌گرفت و حالا قیمتش با گوشی پرچم‌دار برابری می‌کند. فروشنده قیمت را می‌گوید و مشتری تنها سری تکان می‌دهد و می‌رود. کمی آن سوتر اما مقابل مغازه‌های تعمیرات و فروش کالای دست‌دوم که برخی از آنها خارج از پاساژ قرار دارند، رفت‌وآمد بیشتر است. این روزها در بازار موبایل و کامپیوتر ایران، تماشاگرها بیشتر از خریداران هستند. سه ماه پس از آغاز سال ۱۴۰۵، بازار فناوری کشور هنوز از شوک ماه‌های گذشته بیرون نیامده است. از اعتراضات و بهت رستمآن گذشته تا جنگی که از ۹ اسفند عملاً بخشی از فعالیت اقتصادی کشور را متوقف کرد و تعطیلی طولانی مراکز تجاری را رقم زد. اختلال و توقف از مسیرهای حمل‌ونقل در دوی، ایجاد محدودیت‌های وارداتی، افزایش نرخ ارز و… بخشی دیگر از اثرات نزدیک به ۴۰ روز جنگ بر این بازار بود. حالا آتش‌بسی که فعالان انتقادی آن را شکننده می‌دانند، همگی دست به دست هم داده‌اند تا یکی از دشوارترین دوره‌ها برای بازار موبایل و کامپیوتر ایران رقم بخورد. بازاری که زمانی هر نسل جدید گوشی یا لپ‌تاپ می‌توانست صفی از خریداران را راهی پاساژهای فناوری کند، حالا با واقعیتی متفاوت روبه‌رو است؛ مشتریانی که نه برای خرید، بلکه برای تعمیر، تعویض قطعه یا پرس‌وجو درباره قیمت کالای دست‌دوم وارد بازار می‌شوند. فعالان بازار به «شرق» می‌گویند آنچه امروز در ورتین‌ها دیده می‌شود فقط گرانی نیست؛ بلکه کوچک‌شدن مداوم بازار، حذف تدریجی مصرف‌کنندگان و افزایش نااطمینانی نسبت به آینده است؛ روندی که اگر ادامه پیدا کند، تابستان سختی در انتظار بازار موبایل و کامپیوتر خواهد بود.

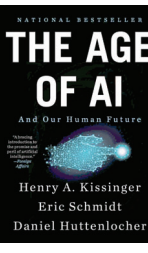
تعمیر به جای تعویض

گشتی کوتاه در بازارهای اصلی فناوری کشور کافی است تا تغییر رفتار مصرف‌کنندگان به چشم بیاید. فروشندگان می‌گویند مشتریان بیش از گذشته به دنبال تعمیر دستگاه‌های قدیمی خود هستند. بسیاری از کسانی که تا چند سال پیش هر سال یا حداقل دو سال یک بار گوشی یا لپ‌تاپ خود را تعویض می‌کردند، حالا تلاش می‌کنند عمر دستگاه فعلی خود را چند سال دیگر افزایش دهند. افزایش قیمت‌ها به جایی رسیده که حتی کالاهای اقتصادی نیز از دسترس بخش بزرگی از جامعه خارج شده‌اند. گزارش‌های بازار نشان می‌دهد گوشی‌هایی که در اسفند سال گذشته در محدوده ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان قرار داشتند، اکنون به محدوده ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان رسیده‌اند. برخی مدل‌های میان‌رده سامسونگ و شیائومی که زمانی انتخاب کاربران با توجه محدود بودند، امروز با قیمت‌هایی فروخته می‌شوند که تا چند سال قبل مختص پرچم‌داران بازار بود. «علی» یکی دانش‌جو است که بعد از پنج سال تصمیم گرفته گوشی‌اش را عوض کند. اما هرچه بیشتر به فروشگاه‌های مختلف سر می‌زند، ناامیدتر می‌شود: «حتی دیگر نمی‌توان گوشی‌ها ساده یا همان میان‌رده چینی را خرید چه برسد به گوشی‌های سامسونگ و اپل. با اینکه برخی فروشگاه‌ها امکان خرید قسطی را هم فراهم کردند، باز هم پرداخت این هزینه برای من سبک‌ت است.»

«سیدمه» کارمند دولت است که روایتش بی‌شباهت به «علی» نیست. او می‌گوید از سال گذشته توانسته چند قطعه طلا برای خود بخرد و تصمیمی هم برای فروش آنها نداشته، اما خاموش شدن بیکاره و روشن‌نشدن موبایلش، باعث شده همان طلاها را بفروشد که هرچه سریع‌تر یک موبایل، حتی میان‌رده برای خود خریداری کند. اما آن‌طورکه او می‌گوید دو روز چرخیدن در چند پاساژ مختلف باعث نشده او خرید موفقی داشته باشد. از اظهارات خریداران در بازار موبایل و کامپیوتر می‌توان فهمید که در چنین شرایطی، خرید کالای نو دیگر اولویت بسیاری از خانوارها نیست. افزایش هزینه‌های مسکن، خوراک، انرژی و سایر نیازهای ضروری باعث شده سهم کالاهای فناوری از سبد مصرفی خانوارها به‌شدت کاهش پیدا کند. نتیجه این وضعیت رونق گرفتن بازار تعمیرات و کالاهای دست‌دوم است؛ بازاری که به گفته فروشندگان، در بسیاری از روزها مشتریان بیشتری از فروشگاه‌های عرضه کالای نو دارد.

بازار موبایل در آستانه کمبود

رضا عالیان، فعال بازار موبایل، در گفت‌وگو با «شرق» معتقد است آنچه امروز در بازار دیده می‌شود هنوز تمام ماجرا نیست. به گفته او، افزایش قیمت‌های اخیر حاصل موجی است که از حدود شش تا هفت هفته قبل آغاز شد و در هفته‌های اخیر به اوج رسید. با این حال، نگرانی اصلی نه قیمت‌های فعلی بلکه احتمال شکل‌گیری کمبود کالا در ماه‌های آینده است. به گفته عالیان، از ابتدای سال تاکنون ثبت سفارش جدیدی برای واردات موبایل انجام نشده و بخش عمده کالاهای موجود در بازار حاصل ثبت سفارش‌های گذشته است. او هشدار می‌دهد که اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، بازار در تابستان با ناترازی جدی میان عرضه و تقاضا مواجه خواهد شد. عالیان فعالیت بخشی از افزایش قیمت‌ها را ناشی از رشد هزینه‌های حمل‌ونقل و تغییر مسیرهای وارداتی بعد از جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران می‌داند. به گفته او، انتقال بخشی از مسیرهای تأمین از دبی به کشورهای دیگر هزینه‌های لجستیکی را چند برابر کرده است. از سوی دیگر، افزایش مبنای محاسبه حقوق ورودی و کم‌رکی نیز فشار تازه‌ای بر قیمت تمام‌شده وارد کرده است. این هشدارها در شرایطی مطرح



یق فناوری جذاب و آینده‌نگرانه به نظر می‌رسید؛ ابزاری که می‌توانست کارها را سریع‌تر انجام دهد، بیماری‌ها را تشخیص دهد و بازنگری روزمره را آسان‌تر کند. اما هرچه این فناوری پیشرفته‌تر شد، ابعاد پیچیده‌تر و گاه نگران‌کننده آن نیز آشکار شد. کتاب «عصر هوش مصنوعی و آینده بشریت» (The Age of AI and Our Human Future) یکی از مهم‌ترین آثار است که تلاش می‌کند تصویری جامع از این دگرگونی بزرگ ارائه دهد؛ تصویری که در آن امید و نگرانی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این کتاب در سال ۲۰۲۱ توسط هنری کسینجر سیاست‌مدار و وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، اریک اشمیت مدیرعامل سابق گوگل و دانیل هالتنلوکر، رئیس دانشکده محاسبات مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT)، منتشر شد. نویسندگان از سه حوزه متفاوت سیاست، فناوری و دانشگاه گرد هم آمده‌اند تا بر پرسشی اساسی پاسخ دهند: ظهور هوش مصنوعی چه تغییری در سرنوشت انسان و تمدن بشری ایجاد خواهد کرد؟

نویسندگان معتقدند بشر در آستانه ورود به دوره‌ای تاریخی قرار گرفته که می‌توان آن را «عصر هوش مصنوعی» نامید؛ عصری که به اندازه رنسانس، عصر روشنگری یا انقلاب صنعتی در تغییر مسیر تاریخ انسان اثرگذار خواهد بود. البته این به معنای پایان عصرهای پیشین نیست، بلکه نشان‌دهنده آغاز مرحله‌ای تازه در تکامل تمدن انسانی است؛ مرحله‌ای که در آن ماشین‌ها دیگر صرفاً ابزار نیستند، بلکه در تصمیم‌گیری، تحلیل و حتی تولید دانش نقش آفرینی می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نکات کتاب این است که هوش مصنوعی صرفاً یک فناوری جدید نیست، بلکه

فن‌بیز

داستان استارت‌آپی که لباس‌ها را به گردش انداخت اجاره به‌جای خرید

شرق: صنعت مد سال‌هاست با یک تناقض بزرگ زندگی می‌کند؛ صنعتی که از یک سو خلاقیت، زیبایی و نوآوری را نمایندگی می‌کند و از سوی دیگر به یکی از آلاینده‌ترین صنایع جهان تبدیل شده است. رشد مدل کسب‌وکار «فست‌فشن» یا مد سریع، این تناقض را عمیق‌تر کرده است. برندهای بزرگ هر سال هزاران مدل لباس جدید تولید می‌کنند؛ لباس‌هایی که اغلب فقط چند بار پوشیده می‌شوند و سپس راهی کمدها یا سطل‌های زباله می‌شوند.

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، صنعت فست‌فشن سالانه ده‌ها میلیون تن پسماند نساجی تولید می‌کند و سهم قابل توجهی در مصرف آب، انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی محیط زیست دارد. در چنین شرایطی، طی سال‌های اخیر موجی از استارت‌آپ‌های «اقتصاد اشتراکی» تلاش کرده‌اند الگوی مصرف در صنعت مد را تغییر دهند، یکی از موفق‌ترین نمونه‌ها، استارت‌آپ By Rotation است؛ پلتفرمی که به‌جای خرید لباس، اجاره آن را ترویج می‌کند. این استارت‌آپ در سال ۲۰۱۹ توسط اشیئا کابر-دیویس در لندن راه‌اندازی شد، کارآفرینی که نه از دل صنعت مد، بلکه از دنیای مالی وارد اکوسیستم استارت‌آپی شد. ایده اولیه By Rotation نیز نه در یک شتاب‌دهنده مطرح شد، بلکه از جلسه‌ای با سرمایه‌گذاران، بلکه در جریان برنامه‌ریزی برای ماه عسل او شکل گرفت.

ایده‌ای که از یک سفر شروع شد

اشیئا که در هند متولد شده و بعدها به بریتانیا مهاجرت کرده بود، سال‌ها در حوزه مالی فعالیت می‌کرد. او همواره به مد و طراحی علاقه داشت، اما نقطه عطف زمانی رقم خورد که برای سفر ماه عسل خود به راجستان هند آماده می‌شد. او متوجه شد برای گذر روز سفر قرار است لباس‌های جدیدی بخرد که احتمالاً پس از آن دیگر استفاده چندانی از آنها نخواهد کرد. همین موضوع پرسشی ساده اما مهم را در ذهنش ایجاد کرد؛ چرا نباید بتوان لباس‌های مناسب یک مراسم، سفر یا مناسبت خاص را از دیگران اجاره کرد؟

این پرسش زمانی جدی‌تر شد که او در سفر به هند با حجم گسترده ضیافت نساجی و آثار زیست‌محیطی صنعت پوشاک مواجه شد. نتیجه این تجربه، شکل‌گیری ایده پلتفرمی بود که بتواند لباس‌ها را به‌جای انباشت در کمدها، میان کاربران به گردش درآورد.

اشیئا ابتدا این ایده را به صورت یک پروژه جابیی در اینستاگرام آزمایش کرد. کاربران عکس لباس‌های خود را منتشر می‌کردند و دیگران امکان اجاره آنها را داشتند. بازخورد‌های اولیه نشان داد بازار برای چنین خدمتی وجود دارد. چند ماه بعد نخستین نسخه محصول (MVP) فعالیت خود را آغاز کرد.

وقتی کرونا همه چیز را متوقف کرد

استارت‌آپ هنوز در مراحل اولیه رشد قرار داشت که همه‌گیری کرونا جهان را متوقف کرد. مراسم‌ها، میهمانی‌ها، سفرها و عروسی‌ها لغو شدند؛ دقیقاً همان رویدادهایی که بخش عمده تقاضا برای اجاره لباس را شکل می‌دادند. برای بسیاری از استارت‌آپ‌ها، چنین شرایطی می‌توانست به معنای پایان راه باشد. اما تیم By Rotation مسیر دیگری انتخاب کرد. آنها به‌جای تمرکز بر تراکشن و اجاره، روی ساخت جامعه کاربران سرمایه‌گذاری کردند.

در دوران قرنطینه، این پلتفرم به محلی برای گفت‌وگو درباره مصرف پایدار، تأثیرات محیط‌زیستی صنعت مد و راه‌های کسب درآمد از دارایی‌های بلااستفاده تبدیل شد. کاربران در خانه بودند و زمان بیشتری را در فضای آنلاین سپری می‌کردند؛ فرصتی که این استارت‌آپ برای تقویت جامعه خود از آن بهره گرفت.

نتیجه این استراتژی پس از رفع محدودیت‌ها آشکار شد. زمانی که مراسم‌ها و سفرها دوباره از سر گرفته شدند، By Rotation، به‌جای فعاله‌ای مد و آماده روبه‌رو بود. به گفته بنیان‌گذار شرکت، حجم اجاره‌ها پس از پایان قرنطینه حدود ۳۰ برابر افزایش یافت.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید